

سروهای کهنسال ایران

یادواره سولوشیک ۴۰۰ ساله ایران



سولوشیک احمد کوروی

کربن ایملی

انوشیروان شیردانی

یوسف رحیمی

عنوان و نام پدیدآور : سروهای کهنسال ایران: یادواره بیولوژیک ۴۰۰۰ ساله ایران /
تالیف سودابه علی احمد کروری... [و دیگران].

مشخصات نشر : تهران: پونه، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری : ۲۱۰ص: مصور (رنگی)، جدول (رنگی). رحلی بزرگ

شابک : ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۸۱-۶۹-۶

وضعیت فهرست نویسی : فیپا

یادداشت : انگلیسی - فارسی.

یادداشت : تالیف سودابه علی احمد کروری، گرجی ایمانی، انوشیروان شیروانی، یوسف
رحیمی.

عنوان دیگر : یادواره بیولوژیک ۴۰۰۰ ساله ایران.

موضوع: سرو -- ایران

موضوع: Cypress -- Iran

شناسه افزوده : علی احمد کروری، سودابه، ۱۳۲۵ -

رده بندی کنگره : SD۳۹۷

رده بندی دیویی : ۶۹۱/۱

شماره کتابشناسی ملی : ۵۷۱۹۰۶۲



خ طالقانی شرقی - خ جهان - ساختمان پونه - شماره ۶ - طبقه سوم - تلفن ۷۷۶۰۵۷۹۸

نام کتاب: سروهای کهنسال ایران یادواره بیولوژیک ۴۰۰۰ ساله ایران

تالیف: سودابه علی احمد کروری، گرجی ایمانی، انوشیروان شیروانی، یوسف رحیمی

ناشر: پونه

نوبت چاپ: اول، ۱۳۹۸

شمارگان: ۱۰۰۰ جلد

چاپ، صحافی: چاپخانه دانشگاه خوارزمی

قیمت: ۱۴۰۰۰۰۰ ریال

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۶۶۸۱-۶۹-۶

پیشینه درختان کهن در ایران به قدمت تاریخ و پیشینه قوم آریایی است. بنابراین با توجه به دامنه سنی این درختان (حدود ۵۰۰ تا ۴۰۰۰ سال)، مقدمه را با قسمت هایی از تاریخ کهن ایران شروع می کنیم. حدود ۱۵۰۰۰ سال پیش، هنگامی که بخش عمده ای از اروپا را توده های یخ می پوشاند، قسمت وسیعی از سرزمین ایران که شامل فلات مرکزی است، زیر پوشش آب دریاچه ای عظیم قرار داشت، این دوره، دوره ی پر باران فلات ایران بود. پس از آن شرایط اقلیمی حاکم بر فلات مرکزی دگرگون شده است. دوره مرطوب جای خود را به دوره خشک داد و در اثر تخریب آب بتدریج دریاچه های فلات ایران جای خود را به بیابان های کنونی دادند، ولی بسترهای غنی از رسوبات رودخانه ای حواشی این دریاچه ها، شرایط بسیار مناسبی را برای رشد گیاهان و پیدایش درختان و علفزارها و در نتیجه مهاجرت جانوران بوجود آوردند. در این زمان انسان ها در غارها و چخل ها و یانگاه های سنگی می زیستند و در کهن ترین مناطق سکونت ایران که تاکنون شناخته شده است تپه سیلک (SILK) در شمال کاشان و جنوب قم است. در آجاشنه های سکونت اولیه انسانی مشاهده شده است که هنوز خانه رانمی شناخت و در پناه شاخه های درختانی که بوجود می آورد می زیست (جوانشیر، ۱۳۷۸). تا اوایل قرن دوم قبل از میلاد اقوام آریایی در جنوب روسیه از دریاچه آرال تا ولگای جنوبی و شمال قفقاز پراکنده بوده اند. در حدود هزاره دوم قبل از میلاد مسیح، گروهی به طرف جنوب شرقی مهاجرت کردند و در حدود قرون شانزده و هفده به

رودخانه ایندوس رسیده‌اند. گروهی نیز به سوی شمال شرقی ایران مهاجرت کرده و در مناطق طوس و سیستان و هرات
 مستقر گردیده‌اند. دسته‌های دیگری از طوایف آریایی با گذشتن از رویه غربی به جانب اروپا سرازیرگشته و شاخه‌هایی نیز به
 سوی غرب ایران و آسیای صغیر کوچ کرده‌اند. اقوامی که در شرق ایران مانند تازمان‌های دازبه صورت عشیره‌ای
 زیسته و در حدود قرون پنجم و ششم قبل از میلاد مبادرت به ایجاد شهرهای ابتدایی کرده‌اند (آشتیانی، ۱۳۸۲). ایرانیان
 اقوامی آریایی‌نژاد هستند. واژه‌ی آریا به معنای آزاده، باوفا و نجیب است. آن گروه از آریایی‌ها که به ایران رسیده-
 اند، پیش از دسته‌های دیگر مهاجرت کرده‌اند. آنها در آغاز، جلگه‌های پهناور شمال ایران و شرق دریای خزر را برای
 زندگی و گشت و کار انتخاب کردند و پس از آن به مدیحه‌سرزمین ایران پراکنده و گسترده شده‌اند (نیک‌نام،
 ۱۳۸۵). آریایی‌ها مردمی سفیدپوست بودند و به زبانی شبیه سانسکریت سخن می‌راندند و بسیاری از محققین اولیه، آنها را
 اقوامی متراپرست دانسته‌اند. هرودوت که از مشهورترین مورخین یونان باستان است حدود ۴۸۰ سال قبل از میلاد
 مسیح به ایران سفر نموده است و درباره مذهب ایرانیان می‌نویسد:

"آن‌ها برپاداشتن معبد و قربانگاه و مجسمه خدایان (بت) را جایز نمی‌شمارند و در حقیقت کسانی را که چنین کنند
 ابله می‌پندارند. زیرا آنها به نظر من خدایان را آنگونه که یونانیان تصور می‌کنند تجسم نمی‌نمایند. ولی عادت

آنها بر این است، که بر بلندترین قله‌های کوه رفته و در آن جابه زئوس قربانی تقدیم کنند، در حالی که آنها تمام کلبه آسمان را زئوس می‌پندارند. آن‌ها برای خورشید و ماه و زمین و آب و باد هم قربانی می‌کنند" (آشیتیانی،

۱۳۸۲).

بطور کلی می‌توان گفت، سلسله‌ی میش‌دای اولین سلسله‌ای بود که در ایران به وجود آمد. استفاده از چوب در زمان سلسله میش‌دایان برای سوخت و برپا کردن چادرها و ساختن نیره متداول بود تا زمانی که شهرنشینی و خانه‌سازی رواج یافت. در شهر سوخته سیستان که متعلق به هزار سال پیش است قطعات چوب نیم سوخته و حتی چوب و پوست درخت ارس (*Juniperus*) در بازدید از این منطقه مشاهد گردید که نشان می‌دهد در ایران از چند هزار سال پیش که خانه‌سازی آغاز شد، از درختان ارس برای تیرساختان استفاده می‌کردند. در مورد شناخت طبیعت، در زمان زرتشت در رابطه با آفرینش گیاهان، معتقد بودند که درخت عظیم و سرگی به نام سینا (*Seena*) و بود در آن که آشانه‌ی مرغ اسطوره‌ای سیمرغ بوده که چشمه تجدد حیات همه‌ی گیاهان روزی زمین است. آن درخت، درخت شهاب‌بخش نیز خوانده می‌شد. آنها می‌پنداشتند بذر همه داروهای گیاهان بار این درخت است. انسان در طول حیات خود به تجربیات علمی و تحقیقی فراتر از تائین

نیازهای غذایی دست یافت. این گیاهان برای تهیه ادویه، عطر و داروهای که برای مداوای زخم ها، دردها و ناراحتی های مختلف جسمی به کار می رفت، استفاده می شدند. گاهی هم برای مداوای جانوران به عنوان دارو این گیاهان بکار می رفت و اینچنین گنجینه ای از تجربیات پزشکی حاصل و بجا مانده است (جوانشیر، ۱۳۷۸).

ایرانیان نخستین رزمه داران و کشاورزان جهان بوده اند که در ۱۰۵۰۰ سال قبل اقدام به احلی کردن کوسنندها کردند. در حدود ۳۰۰۰ سال پیش از میلاد مسیح یعنی مقارن با دوره ی اول شوش، در فلات ایران خورشید در زمره ی بزرگترین خدایان شمرده می شده است. تاجایی که در نواحی فارس، نزدیک تخت جمشید، رفته رفته حک شدن خورشید بر روی ظروف، به صورت امری طبیعی در آمده بود. در متون کهن آمده است که ایرانیان آفتاب را چشم آسمان می پنداشتند و دشمن بیابان، کویر و خرابی بودند. تاجایی که به دلیل مفهوم و اساس تبیین دین زرتشت که در جهت عمران و آبادانی و عشق به زمین بوده است، زرتشت را پیامبری برای آبادانی ایران می دانستند و به او عنوان پیامبر کشاورزان داده بودند. هرگاه سخنی از تعالیم زرتشتی به میان می آید اگر به معنی اصلی و ساده آن توجه کنیم در میابیم که در تمامی نصایح و تعالیم سعی شده است تا انسان به طبیعت پیوند داده شود. افسانه های ملی حکایت از آن دارد که درخت سرو به دست زرتشت باید کشت شده باشد. مدارک تاریخی نشان می دهد که سرو مذکور به دستور متوکل عباسی قطع و تنه آن به بغداد فرستاده شد. در بین راه شبانه توسط مردم ایران بذور و شاخه های این درخت به نواحی مختلف ایران منتقل شده

است. در آن زمان عمر این درخت توسط مولف برهان قاطع بیش از ۱۴۵۰ سال ذکر شده است. درخت سرو به تکرار در حجاری های تخت جمشید آمده است و در این آیین نماد سبزی و استواری بوده است. این درخت اولین بار در دوره اسکانیان به اروپا راه یافت و نماد کریسمس یعنی تولد حضرت مسیح شد.

زرتشت دنیایش را، قبل از پرداختن به هر موضوعی به اهمیت طبیعت و عناصر طبیعی پرداخته است و نیایش های خود را با ارج دادن به این موضوعات آغاز نموده است. برای مثال در یکی از نیایش ها به نام نیایش "برادر درخت" زرتشت اشارات مستقیم به طبیعت و اهمیت آن بالاخص درخت دارد تا جایی که انسان ها و درختان را به مثابه برادرانی می خواند که بدون یاری و تعاون باهم نمی توانند زندگی درست و توسعه ببرند (مناجاتی، ۱۳۸۶).

در این نیایش این چنین آمده است:

"درخت نمونه ای کاملی از شکل زندگی گیاهی است، همان گونه که انسان نیز نمودار بالاترین درجه مکمل در جهان جانوری است، عالی ترین و مناسب ترین شکل حوراک در سیاره ی زمین از فرآورده های درختی، چون انواع میوه ها بوده است. در این زمینه گفته شده، انسان به عنوان

کامل ترین نمونه در جهان باید از چمن خوراکی تغذیه کند. همچنین تعاون آدمی در کسترش زندگی گیاهی موجب پیدایش سازگارترین محیط زندگی بر روی زمین می شود.

همچنین در جاهای دیگری از اوستا نیز به فراخور آموزش ها و نقطه نظر ها، درخت به عنوان برادر انسان وجود دارد. به موجب همین سروده ها، قطع درختی بدون آنکه حداقل دو درخت دیگر به جایش غرس شود کرداری اهریمنی قلمداد می شده است. از جمله هرچیزی هنگامی که دارای فرزندی سزاوارتم بود، به یاد بود چمن واقعه ای درختی بکار دو تکرار این کاشت در هر زاد و ز تولد کودک تکرار شود تا زمانی که فرزند به بیست و یک سالگی رسید، زمینی را که درختان در آن غرس و پرورش یافته اند، به عنوان میراثی به فرزند هدیه تا به عنوان وسیله ای برای امرار معاش و گذران زندگی از آن بهره گیرد (رضی، ۱۳۸۰).

زمان آشوریان، کشت گیاهان از نقاط مختلف کشورهای دور متداول شد. در حدود ۱۰۰۰ سال پیش زمان حکومت کلدانیان بر بام قصر سلطنتی درختان و گیاهان بسیار کاشتند. از آن جمله، باغ های آویران که از عجایب هفتگانه جهان بشمار می رفت و در شهر بابل واقع بود. شاید قدیمی ترین گیاهی که از آن به عنوان گیاه دارویی در تاریخ نام برده شده، گیاه هوم (houm) است. مادا حدود ۸۵۰ سال پیش از میلاد مسیح حکومت خود را در ایران آغاز کردند و برای نقل و انتقال خویش از ارابه های استفاده می کردند که چرخ هایشان از تنه درخت دست شده بود، همچنین مادها به ساختن تالارهای ستون دار

پرداختند و ستون‌هایکی از چوب ساخته شده بود و اطراف هر یک را با خشت خام و باروکش مخلوط ملاط، گل اندود می‌کردند. ستون‌های چوبی متعلق به درخت ارس بوده است. در زمان هخامنشیان علاقه به کشت درختان جنگلی بوجود آمد که از نظر تولید چوب اهمیت داشت و این امر، سرآغاز جنگکاری در ایران محسوب می‌گردد. کوروش کبیر شخصاً به کشت درختان همت می‌گذاشت و داریوش کبیر مرزبان "کارات" را برای جنگکاری با درختان بومی بین النهرین می‌ستود. کوروش را می‌توان نخستین تاسیس‌کننده‌ی باغ و پردیس دانست. گزننفون از زبان سقراط می‌گوید:

"در هر جا که شاه اقامت کند به هر جا رود همیشه مراقب است که در همه جا باغ‌هایی باشد پر از خنجر
هایی زیبا که زمین می‌دهد. این باغ‌ها را پردیس می‌نامند. اگر هوا بگذارد شاه بیشتر اوقات خود را در
این باغ‌ها می‌گذراند."

در دوره‌ی هخامنشیان کشاورزی و صنعت توسعه قابل توجهی یافتند و در این زمان بود که ایرانیان به ابریشم دست یافتند. به احتمال زیاد ورود درخت زیتون اهلی نیز به ایران در زمان کوروش و خشایار شاه صورت گرفته است. لشکریان کوروش و خشایار شاه پس از دست یافتن به یونان، بذر درختان زیتون را همراه خویش به ایران آوردند. در زمان ساسانیان باغ‌های نسبتاً وسیع زیتون احداث شد. همزمان درخت خرنوب *Ceratonia Siliqua* نیز از یونان به ایران

آورده شد. هردوت می‌گوید: "علاقه خشایار شاه به درختان چنان بوده است که هنگام عبور از آسیای صغیر موقعی که از مقابل یک درخت سرو برومند عبور می‌کرد بی‌دنگ فرمان می‌داد که زنجیری از زره آن بیاورند و یکی از سربازان جاویدان راه پاسبانی آن بگذارند" به احتمال زیاد این سرو مربوط به گونه‌ی *Cupressus Horizontalis* که از درختان بومی ایران در زاگرس، اطراف شیراز و همچنین البرز است. شاید آیین زیور بستن به درختان کهنسال که امروزه در بعضی نقاط جهان و ایران متداول است، از این اقدام ستوده خشایار شاه به منظور حمایت از درختان جنگلی سرچشمه گرفته باشد. این فرمان خشایار شاه در مورد کاردن نگهبان برای درخت جنگلی به منزله اولین قدم در زمینه علم جنگلبانی به خصوص حفظ ذخایر ژئوبیوگیا می‌باشد. در زمان اشکانیان درختان می‌توانستند از نظر تنوع و کیفیت در ایران برای اروپاییان مطرح بود که از جمله آنها می‌توان درختان جاک (*Dalbergia*) و گردو را نام برد. در زمان ساسانیان و در کوفی چمکسیری در ساختمان سازی به وجود آمد و استفاده از سقف ها و پوشش های طاقی آجری شکل، جانشین سقف های سطح با پوشش چوبی گردید. ساسانیان با بکارگیری چنین سبک مدرنی، استفاده از چوب را در سقف و ستون منوخ کردند و این امر خود در کاهش میزان تخریب جنگل های می توانست با اهمیت باشد (جوانشیر، ۱۳۷۸).

به طور کلی، با وجود متفاوت بودن مفهوم طبیعت و اهمیت آن در ادیان مختلف، در غالب ادیان الهی، همچون دین یهود، مسیحیت و اسلام، امری مشترک در میان، یکی آنها وجود دارد و آن پرداختن به علوم طبیعی و ادراک نظام مندی

طبیعت در سایه وجه الهی کوزه آن است. ضمن اینکه طبیعت در منظر ایشان، بستر حیات آدمی است و گفته شده تنها در صورتی مجاز به اعمال تغییرات در آن هستند که به حکم خدا مجاز تشخیص داده شده باشد. در واقع نگاه به طبیعت از منظر الهی اینچنین مطرح شده است که انسان و طبیعت هر دو مخلوق خداوند هستند و بر طبق اراده و حد اختیارات او باید مدیریت شوند. اما حق استفاده و بهره‌برداری مشروط از آن به انسان اعطا شده است (مناجاتی، ۱۳۸۶).

در تمدن اسلامی مانند سایر تمدن‌های کهن که هر کدام مبتنی بر اعتقادات دینی خاص خود بوده‌اند، علوم جهان‌شناسی و طبیعت‌شناسی باید با اصول کلی دین که از مبداء وحی آسمانی سرچشمه گرفته شده است انطباق داشته باشد. کتاب قرآن نیز در آیات خود دائماً انسان را متوجه پدیده‌های طبیعت و ارزش و اهمیت و چگونگی نگاه انسان به ایشان می‌کند. ناجایی که در بسیاری موارد این پدیده‌ها را آیاتی از خداوند معرفی کرده و انسان را به تامل و دقت در آن فرا خوانده است. در اغلب موارد از اشجار، چراگاه‌ها، باغاتی با درختان بهم پیچیده و سربه فلک آسمانی، یار از میوه یاد نموده است (بازرگان، ۱۳۵۶). مضاف بر اینکه در بسیاری موارد با استفاده از عناصر و پدیده‌های طبیعت برای نامگذاری سوره‌های قرآن به عنوان سر فصلی برای محتوی هر سوره، به این ارزش‌گذاری و توجه خود صحنه می‌گذارد. در نهایت برای بیان هر چه بیشتر ارزش والای طبیعت، به توصیف و تشریح‌های متعددی اشاره نموده است به طوری که بهشت به عنوان بالاترین جایگاه قرار داده شده از طرف خداوند برای بندگان صالح وعده داده شده است. از دیگر نشانه‌های اهمیت طبیعت در

دیدگاه اسلام می‌توان به آن دسته از آیاتی اشاره کرد که خداوند در آن‌ها برای یادآور شدن انسان، از وظیفه پاسنگزاری انسان از عوامل و عناصر طبیعت نام می‌برد و انسان را به الگوبرداری از این عناصر طبیعی دعوت می‌کند (مناجاتی، ۱۳۸۶) مانند آیه‌ی عسرة الرحمن:

"والنجم والشجر سجدان.... وساره ودخت سجده کتانتد" (قرآن کریم).

منابع مورد استفاده در مقدمه:

- آشتیانی، جلال الدین، ۱۳۸۱. زرتشت، مزدینا، حکومت. شرکت سهامی انتشار.
- بازرگان، مهدی، ۱۳۵۶. توحید- طبیعت- محال. اشارات قلم.
- جوانشیر، کریم، ۱۳۷۸. تاریخ علوم منابع طبیعی. سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج کشاورزی.
- مناجاتی، زرین، ۱۳۸۶. طبیعت بستر حیات یا ابزار توسعه. پایان نامه کارشناسی ارشد، گروه جنگلداری و اقتصاد جنگل دانشکده منابع طبیعی دانشگاه تهران. ۱۴۶ص.
- رضی، هاشم، ۱۳۸۰. اوستا. نشر بهجت.

- نیکنام، کوروش، ۱۳۸۵. از نوروز تا نوروز (آیین ها و مراسم سنتی زرتشتیان ایران). موسسه فرهنگی-انتشاراتی فروهر.

www.ketab.ir